



نخل‌های بی‌سر

هستند، عده‌ای هم دیده می‌شوند که نگاهی بی‌تفاوت و حتی منفعت طلبانه به جنگ دارند و می‌کشند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند: حسین همکلاسی‌اش غلامرضا را می‌بیند که چمدانی به بغل زده و به کمک پدرش باروبندیل مسافرت را می‌بندد؛ از او می‌پرسد: - کجا غلامرضا؟ غلامرضا نفس نفس می‌زند و می‌گوید: - همراه بابام اینا می‌ریم تهران. این‌جا که می‌بینی، دیگه نمی‌شه موند... - حسین چهره در هم می‌کشد و بدون جواب می‌گذرد؛ اما ناصر زیر لب می‌غرد: «بی‌غیرت‌ها!»

شناسنامه:

نام کتاب: نخل‌های بی‌سر

ناشر: انجام کتاب

تیراژ: ۱۰۰۰۰

تعداد صفحه: ۲۸۰

قطع: رقی

است و در وقایع نخستین روزهای جنگ و درگیری‌های روزهای ابتدایی جنگ در خرمشهر حضور مستقیم دارد.

«قاسمعلی فراست» وقتی این کتاب را به رشته تحریر درآورده است، تنها ۳۲ سال داشته و حالا که نزدیک به سی سال از وقایع و داستان‌های کتاب می‌گذرد، مرور آن برای خود فراست هم زیباست.

«نخل‌های بی‌سر» محصول دوران خاص ادبیات داستانی جنگ ماست و نویسنده حتی در همان سال‌ها باز هم یک نکته را از یاد نبرده. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های یک رمان خوب و خواندنی این است که هر حال باید حاوی کنتراست (تضاد) باشد تا بتواند همه ابعاد ذهن مخاطب را به خود جلب کند. این نکته، اگرچه ممکن است به زبان‌های مختلفی گفته شده باشد، اما بدون آن هیچ خواننده‌ای نمی‌تواند با اثر ارتباط برقرار کند. نکته‌ای که فراست جوان - آن روزها - به فراست دریافته و در داستانش به خوبی رعایت کرده است؛ برای همین است که مانند همان روزهای آغاز جنگ، در کنار مردمیکه حرص و جوش بسیاری می‌خورند و نگران وطن و ارزش‌هایشان

«نخل‌های بی‌سر» از نخستین رمان‌هایی است که درباره جنگ ایران و عراق نوشته شده و همین موضوع می‌تواند بهانه خوبی باشد برای پرداختن به آن.

«نخل‌های بی‌سر» به ماجراهای نخستین روزهای جنگ پرداخته و حوادثی را مد نظر قرار می‌دهد که در نخستین روزهای جنگ ایران و عراق به وقوع پیوسته و در نهایت به بروز جنگ تحمیلی انجامیده. در واقع موضوع اصلی کتاب اختصاص دارد به تجاوز ارتش عراق به خوزستان و مشخصاً شهر قهرمان خرمشهر.

«نخل‌های بی‌سر» یکی از قدیمی‌ترین داستان‌هایی است که در این باره نوشته شده. این اثر در سال ۶۱ به رشته تحریر درآمده و در سال ۶۳ به چاپ رسیده است و این ویژگی، یعنی هم زمانی تقریبی تاریخ نگارش اثر با زمان وقوع حادثه، خودش یک ویژگی سبک یا تکنیکی را می‌سازد. به عبارت دیگر سبب می‌شود که اثر به مراتب بسیار احساسی‌تر و هیجانی‌تر از آثار مشابه باشد. شخصیت محوری داستان یعنی ناصر، علاوه بر این که شاهد وقایع است و به آن‌ها شهادت می‌دهد، خودش هم یک رزمنده